



۲۰۱۹/۰۱/۲۷

وطن دوست

"عقل عالم" ها

دوستان محترم، گرچه میدانم که در حال حاضر همه با دلهرگی متوجه و منتظر نتیجه گفتگو های صلح با طالبان هستید، خواستم ازین طریق چند دقیقه ای فکر و خاطر تانرا به جهت دیگر سوق دهم. به امید اینکه برای چند دقیقه از دلهرگی و انتظار شما کاسته باشم.

ما در زبان دری اصطلاح داریم، بنام "عقل عالم".

"عقل عالم" به گونه کنایه آمیز به فرد گویند، که در تصور خود همه چیز را بهتر از دیگران میداند؛ از همه تحولات جهان آگاه است؛ به خصوص در رشته که تحصیل کرده است، یا توسط مطالعه کم و بیش معلومات در رابطه به موضوعات مختلف حاصل نموده است، این ذخیره معلومات را گستاخانه و بی ادبانه به رخ دیگران میکشد؛ دیگران را هر لحظه تصحیح میکند و اشتباهات دیگران را بزرگتر از آنچه است، جلوه میدهد.

در زندگی اجتماعی این امر معمول است، که معیار دانش و استعداد ها بین انسانها مختلف است. اگر یک داکتر طب در تشخیص و تداوی امراض بیشتر از دیگران که طبیب نیستند، میداند، حتماً یک مستری که موتر ها را ترمیم میکند، در تشخیص و ترمیم نواقص موتر ها بیشتر میداند. این تفاوت استعداد ها و اطلاعات مختلف بخش از زندگی روزمره ست و به طور مرتب جهت آموختن از همدیگر استفاده میشود. به مفهوم دیگر، آن داکتر به دانش و مهارت های مستری ضرورت دارد و معکوس آن...

اما سؤال درین است، که این دانستن و مهارت در یک رشته معین چطور و به کدام شیوه به دیگران انتقال داده میشود؟

"عقل عالم" بودن زمانی شروع میشود، که مزیت دانستن و تجربه در یک رشته، جهت تحقیر دیگران مورد سواستفاده قرار گیرد، یعنی فردی دانش خود را همراً با یک نوع تکبر و غرور در محضر نمایش قرار دهد و دیگران را تحقیر نماید. ظاهراً "عقل عالم" ها ازین روش خود مقابل دیگران لذت میبرند.

به طور معمول، "عقل عالم" ها دو محرک مشخص برای به نمایش گذاشتن این خاصیت ازار دهنده خود دارند:

• اعتماد به نفس

احتمالاً شایع ترین دلیل یا محرک "عقل عالم" ها عزت نفس یا اعتماد به نفس خیلی پانین شان است. احساس که گویا قادر اند، اشتباهات دیگران را کشف، تصحیح و به رخ شان بکشند، به "عقل عالم" ها کمک میکند، تصویری بهتر از خود شان بدست آرند. همینکه دیگران را خورد میسازند، به خود شان احساس بالاتر از دیگران را میدهند. چون عزت نفس شان خیلی پانین است، همواره از اشتباهات دیگران تغذیه میکنند و به این "غذا" معتاد می شوند.

• خود شیفتگی

خود شیفتگی یا به اصطلاح "عاشق خود بودن" دومین محرک "عقل عالم" هاست. یک فرد خود شیفته (Narssist) به تشویق، توصیف و به رسمیت شناختن از جانب دیگران اشد ضرورت دارد. جهت ارضای این عطش در هر جا و هر موقع "دانش" یا مهارت های خود را در معرض نمایش قرار میدهد، با انگیزه که شاید چند تماشاجی برایش کف بزنند و خلای عزت نفس شانرا برای چند لحظه پُر سازند. اما آن چاه بدون ته هرگز پُر نمیشود.

اشتباه فهیده نشود، همه انسانها به تأیید و تشویق دیگران ضرورت دارند؛ همه انسان ها میخواهند، که بیشتر بدانند و اندوخته های علمی یا تجربیات زندگی شانرا با دیگران شریک سازند و از اندوخته های دیگران بیاموزند.

متأسفانه خود نمائی های یک "عقل عالم" زمان برای دیگران آزار دهنده میشود، که برای ارضای عطش "به رسمیت شناختن" خود، دیگران را مجبور بسازد، که او را در چیزیکه به نمایش میگذارد، تائید کنند. در غیر آن به تحقیر و تهدید دیگران توصل می جوید. به معنی دیگر او احتیاج مبرم دارد که بشنود: بلی صاحب، شما درست میفرمائید..... اما با همه تأیید و تمجید از جانب دیگران آن خلای بزرگ عزت نفس شان پُر نمی شود. به این دلیل:

در واقع، "عقل عالم" بودن میتواند به یک نوع اعتیاد مبدل شود. همینکه خودنمائی های "عقل عالم" از جانب دیگران تائید گردد، یا خودش دیگران را تحقیر کند، غده های درون دماغش مقدار از هورمون های خوشی و ارضاً کننده تولید میکنند، که در اثر آن برایش یک احساس گوارا دست میدهد. چون غده ها این مقدار زیاد هورمون را فقط برای مدت کوتاه در دماغ تولید میکنند، بعد از مدت کوتاه فعالیت غده ها به حالت طبیعی خود برمیگردد.

آنجاست که "عقل عالم" مانند یک معتاد هیروئینی، در جستجوی دریافت مواد مورد نیازش، خودش را مگس هر دوغ میسازد، تا باشد، اگر کدام صحنه یا تماشاجی دیگری برای خود نمائی هایش پیدا کند.

• ستراتیژی برخورد با "عقل عالم" ها

1. استدلال معقول: اگر در رابطه با موضوع که "عقل عالم" خودنمائی میکند، دارای معلومات بیشتر میباشید، با ابراز دلایل مؤثق و معقول "عقل عالم" را سر جایش بنشانید. متوجه باشید، که شیوه استدلال تان خشونت آمیز نباشد، زیرا خشونت نشانه ضعف است. اگر "عقل عالم" گوش شنوا ندارد، خود نمائی هایش را با طنز و شوخی تضعیف نموده و بی اهمیت جلوه دهید.
2. بی نیازی: بعضاً این ستراتیژی کارا می افتد، که "عقل عالم" را شخصاً مخاطب قرار دهید و برایش بگویند، که نیازی به "نصیحت های پدرانہ اش" ندارید و به هیچ نوع از "مشوره" هایش در حال حاضر ضرورت احساس نمی کنید. اگر به "دانش" او ضرورت احساس کردید، خود تان از او خواهان رهنمائی خواهید شد.
3. نادیده گرفتن: نادیده گرفتن مناسب کسانیت، که به "عقل عالم" بودن شان متقاعد شده اند و خود شانرا همیشه حق به جانب میدانند. نه گوش شنوا دارند، نه عقل سالم! برخورد مناسب مقابل این نوع "عقل عالم" ها فقط و فقط نادیده گرفتن آنهاست. نه با آنها استدلال کنید و نه رول تماشاجی را به خود بگیرید و نه مواد را که جهت ارضای اعتیادش ضرورت دارد، به او عرضه نمایند. این نوع انسان ها هرگز اصلاح شدنی نیستند. از همین لحاظ بعضی آنها جهت دریافت یک بهانه برای پُر کردن خلای درونی شان سرگردان و بسایت ها اند. حتماً هر کدام ما یکی ازین "عقل عالم" ها را در دور و بر خود می شناسیم.

د پانو شمیره: له 2 تر2

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ